



پیامبر اعظم ﷺ در نگاه امام سجاد علیه السلام

طلیحه

آشنایی با شخصیت رسول گرامی اسلام برای هر مسلمانی امری ضروری است تا در حدّ توان خود در رفتار و گفتار و زندگی فردی و اجتماعی بتواند از سیره و سخن آن حضرت بهره گیرد. در سالی که به عنوان پیامبر اعظم اعلام شده است، این ضرورت بیشتر احساس می شود. ما در این فرصت و به مناسبت ولادت حضرت سجاد علیه السلام برخی از رهنمودها و بیانات آن امام همام را در مورد شخصیت رسول خدا ﷺ به خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم:

هدف از معراج پیامبر ﷺ

معراج یکی از معجزات بی نظیر حضرت خاتم الانبیاء ﷺ است. این سفر شگفت انگیز آنچنان اهمیت دارد که خداوند متعال در آیه اول سوره اسرا می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۱ «پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را شبانه گاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامونش را برکت داده ایم - سیر

داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.»
 شبی بر نشست از فلک برگذشت
 به تمکین و جاه از ملک برگذشت
 چنان گرم در تیر قربت براند
 که در سدره جبریل از او بازماند
 بدو گشت سالار بیت الحرام
 که ای حامل وحی برتر خرام
 بگفتا فراتر مجالم نماند
 بماندم که نیروی بالم نماند
 اگر یک سر مو فراتر پرم
 فروغ تجلی بسوزد پرم
 امام سجاده علیه السلام ضمن شرح این
 سیر شبانه و سفر با شکوه رسول خدا
 به ابو حمزه ثمالی، در مورد فلسفه آن
 فرمود: «خداوند جای معینی ندارد و
 برتر از زمان و مکان است. پروردگار
 جهانیان اراده کرده بود تا با سفر
 آسمانی رسولش، فرشتگان و ساکنان
 آسمانها را گرمی بدارد و همچنین
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از وسعت جهان
 آفرینش و ملکوت آسمانها آگاه سازد
 تا هنگام برگشت به زمین از شکوه و
 عظمت باری تعالی به جهانیان گزارش
 دهد.»^۱

آری پیامبر صلی الله علیه و آله با مشاهده اسرار
 عظمت الهی در جهان پهناور و عالم
 بالا، افق وسیع تری از نشانه‌های شکوه
 الهی را مشاهده کرد تا در راه تداوم
 رسالت خویش نیرومندتر و روشن‌تر
 عمل کند.

مسئولیت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

طبق آموزه‌های قرآن، اهل بیت
 پیامبر صلی الله علیه و آله در درگاه با عظمت الهی
 جایگاه ویژه‌ای دارند. خداوند متعال
 آن گرامیان را از هر آلودگی پاک و مبرا
 ساخته و مقامشان را گرامی داشت.

با این همه آن بزرگواران همواره
 تلاش می‌کردند که موقعیت خاصی را
 که خداوند برایشان ارزانی داشته، قدر
 بدانند و تلاش می‌کردند که رفتار و
 گفتارشان جلوه‌ای از سیره رسول
 خدا صلی الله علیه و آله باشد و در دنیا و آخرت به
 انجام اعمال صالح تأکید می‌کردند و از
 جایگاه آن حضرت هیچگاه
 بهره‌برداری شخصی نکردند.

هنگامی که شخصی به امام
 زین العابدین علیه السلام گفت: شما اهل بیت

۱. من هدی القرآن، محمدتقی مدرس، نشر
 محب‌الحسین علیه السلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

پیامبر ﷺ [که مشکلی ندارید و] بخشیده شده‌اید.

امام چهارم ناراحت شد و فرمود: «ما شایسته‌تریم که خداوند احکامی را که در مورد همسران پیامبر ﷺ عملی می‌کند، در مورد ما اجرا نماید و همان آیات در مورد ما نیز جاری است. ما بر این باوریم که خداوند نیکوکاران اهل بیت رسول خدا ﷺ را دو برابر دیگران پاداش می‌دهد و بدکارانمان را نیز دو برابر کیفر خواهد کرد.»^۱

آنگاه امام این آیه را قرائت کرد: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ لِيْلَهُ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ»^۲

«ای همسران پیامبر! هر کس از شما به کار زشت آشکاری مبادرت کند عذابش دوچندان خواهد بود و این برای خدا آسان است. و هر کس از شما برای خدا و فرستاده‌اش خضوع کند و کار شایسته انجام دهد، پاداشش را دوچندان می‌دهیم.»

آری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اهل بیت پیامبر ﷺ پاسداری از روش و منش و سیره پیامبر اکرم ﷺ بود تا

آنجا که هر یک آئینه تمام‌نمای رسول خدا بودند. به همین جهت امام صادق ﷺ فرمود: «أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَكُلُّنَا مُحَمَّدٌ»^۳ اول و آخر و وسط ما محمد است و همه ما محمد هستیم.»

طاووس یمانی می‌گوید: روزی در مسجد الحرام مردی را دیدم که در زیر ناودان حرم نماز می‌خواند و حالت خوشی داشت، اشک می‌ریخت و دعا و مناجات می‌کرد. بعد از اینکه نمازش تمام شد، نزدیک رفتم و دیدم امام علی بن الحسین ﷺ پیشوای چهارم است. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! من تو را در آن حالت گریه و دعا و ناله و زاری دیدم، شما که جایگاه والایی در نزد خدا دارید و از خوف و ترس روز قیامت در امان هستید، چرا این‌گونه اشک می‌ریزید و ناله می‌کنید؟! اولاً شما پسر رسول

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، نشر اسلامی، قم، ج ۱۶، ص ۳۱۶.

۲. احزاب / ۳۰ و ۳۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۵ و الفرقان فی تفسیر القرآن، محمد صادقی، نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲۸، ص ۳۷۹.

دعای دوم صحیفه سجادیه، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را این گونه می ستایند: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَّمِ الْمَضَابِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ...؛ حمد و سپاس خداوندی را سزاست که با پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد در حالی که بر امتهای گذشته و اقوام پیشین چنین نعمتی را ارزانی نداشته بود.»

«اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَخِيكَ، وَتَجِيحِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ، كَمَا نَصَبْتَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَّضْتَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ، وَكَاشَفْتَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ...؛ پروردگارا، بر محمد امین و حی تو و بهترین از میان خلق تو و برگزیده از میان بندگان تو درود فرست. او که پیشوای رحمت و پیشاهنگ نیکی و کلید برکت است. همچنانکه او نفس خود را برای اجرای

خدا صلی الله علیه و آله هستید. ثانیاً شفاعت روز قیامت در دست جد شمامست. ثالثاً خداوند دارای رحمت واسعه است.

امام سجاد در پاسخ طاووس فرمود: اما اینکه من پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم تأثیری در امان ماندن من از عذاب الهی ندارد؛ زیرا خداوند می فرماید: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»^۱ «آن روز میان آنان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از آنها چیزی [در این مورد] نخواهند پرسید.» اما شفاعت جد من هم مرا از عذاب باز نمی دارد؛ زیرا خداوند می فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»^۲ «و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خدا از او راضی باشد.» و اما رحمت واسعه الهی هم شامل نیکوکاران است. خداوند می فرماید: «إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^۳ «رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»

و من نمی دانم که آیا در گروه نیکوکاران هستم یا نه.^۴

پیامبر صلی الله علیه و آله در صحیفه سجادیه

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در

۱. مؤمنون/۱۰۱.

۲. انبیاء/۲۸.

۳. اعراف/۵۶.

۴. کشف الغم، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ج ۲، ص ۱۰۸.

الْقُلُوبِ مِنْ جَنَّتِكَ؛ خداوند! پس او را به پاس رنجهایی که در راه تو برد، به بالاترین درجه بهشت خود بالا بر.

داستان ستون حنانه

بی تردید پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزات فراوانی را به امت اسلام و دشمنانش در عصر خود نشان داد، یکی از آن معجزات، ماجرای ستون حنانه است که آن را از زبان حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام مرور می‌کنیم: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که در مسجد مدینه برای خواندن خطبه نماز می‌ایستاد، به یکی از ستونهای مسجد تکیه می‌داد که از درخت خشکیده و قدیمی خرما بود. هنگامی که برایش منبری تهیه کردند، حضرت برای سخنرانی از آن ستون فاصله گرفت و برای نشستن روی منبر تشریف برد. در آن حال، آن چوب خشکیده همانند شتری که بچه شیرخواره اش را از او گرفته باشند، به ناله در آمد و چنان زارزار گریست که تمام مسلمانان اهل مسجد را متأثر ساخت. پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منبر پائین آمده و به سوی ستون رفت، آن را نوازش کرد و دست بر وی کشید تا او

پروردگارا، بر محمد امین وحی تو و بهترین از میان خلق تو و برگزیده از میان بندگانت درود فرست. او که پیشوای رحمت و پیشاهنگ نیکی و کلید برکت است

فرمانت بکار گرفت و بدنش را آماج حوادث ناگوار در راه تو قرار داد و در راه دعوت به سوی تو با خویشان خود آشکارا به ستیز برخاست.

«وَمَا جَزَىٰ إِلَىٰ بِلَادِ الْعَرَبِ، وَمَحَلُّ النَّاسِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَمَوْضِعِ رَجْلِهِ، وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَمَأْتَسِ نَفْسِهِ، إِزَادَةٌ مِثْلَ إِعْزَازِ دِينِكَ، وَاسْتِنصَارِ أَعْلَىٰ أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ...» و [رسول گرامی ات] به شهرهای غربت و دور از وطن و قدمگاه و محل تولد و مأنوس‌ترین جایش هجرت کرد، و هدفش از هجرت، عزت بخشیدن به دین تو و یاری جستن علیه اهل کفر به تو بود.

«اللَّهُمَّ فَارْقَعْنَهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ

آرام و ساکت شد. سپس دوباره به منبر رفت و خطبه خواند.^۱

مولوی در این باره چنین سرود است:

أستن حنانه از هجر رسول

ناله می زد همچو ارباب عقول

گفت پیغمبر: چه خواهی ای ستون؟

گفت: جانم از فراق گشت خون

مسندت من بودم از من تاختی

بر سر منبر تو مسند ساختی

گفت: می خواهی ترا نخلی کنند

شرقی و غربی ز تو میوه چتند؟

با در آن عالم ترا سروی کنند

تا نر و تازه بمانی تا ابد؟

گفت آن خواهم که دائم شد بقاش

بشنو ای غافل کم از چوبی مباش

آرزوی دیدار محمد صلی الله علیه و آله

پیشوای چهارم آن چنان به جدش

رسول خدا صلی الله علیه و آله علاقه داشت که در

دعاها و مناجاتهایش از خداوند متعال

دیدار آن گرامی را طلب می کرد.

یکی از یاران نزدیک امام علیه السلام

می گوید: امام زین العابدین علیه السلام را دیدم

که از اول شب تا سحر طواف و عبادت

می کرد و چون کسی را پیرامون خود

ندید، با خداوند خلوت کرده و عرضه داشت: «خداوندا! ستارگان آسمان تو

ناپدید شدند و دیدگان مردمان تو به خواب رفتند و درهای [اجابت] بر

سؤال کنندگان [و حاجتمندان] گشوده است. به درگاه تو آمده ام تا مرا بیماری

و بر من رحمت آوری و چهره جدم محمد صلی الله علیه و آله را در عرصات قیامت به من

بنمایانی...»^۲

امام گریه می کرد و ناله سر می داد و می فرمود: «خداوندا تو پاک و

منزه ای، از تو نافرمانی می کنند، چنان که گویی تو آن را نمی بینی، و حلم و

شکیبایی می ورزی چنان که گویی از تو نافرمانی نکرده اند. چندان به

آفریدگانت با رفتار نیکو دوستی و محبت می کنی که گویی تو به آنان

نیازمندی، در حالی که تو ای سرور

۱. المیزان، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ المناقب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی، نشر علامه، قم، ج ۱، ص ۹۰.

۲. «الهی غارت نجوم سماءیک و هجعت عیون انابک و انوابک مفتحات لیسالین جنتک لتغفر لی و تزحمنی و ترینی و جة جدی محمد صلی الله علیه و آله فی عرصات القیامة...» (بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۸۱).

**خداوندا تو پاک و منزهی، از
تو نافرمانی می‌کنند، چنان
که گویی تو آن را نمی‌بینی، و
حلم و شکیبایی می‌ورزی
چنان که گویی از تو
نافرمانی نکرده‌اند.**

سخن را نشنیده‌ای که «فَاِذَا تُفْعَفُ فِي
الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا
يَتَسَاءَلُونَ»^۱ «چون در صور دمیده
شود، هیچ خویشاوندی در آن روز در
میان مردم نخواهد بود و هرگز از حال
همدیگر [نمی‌پرسند]؟»

ای طاووس! به خدا سوگند که
فردا هیچ به تو سودی نخواهد رساند،
مگر کار شایسته و عمل صالحی که قبلاً
فرستاده باشی.^۲

۱. مؤمنون / ۱۰۱.

۲. بخار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی،
مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۴۶، ص ۸۱ المناقب،
ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۱۵۱.

من، از همه آنان بی‌نیازی!» آنگاه امام به
حال سجده بر زمین غلطید، من به او
نزدیک شدم و سرش را بلند کردم و بر
زانوی خود نهادم و چندان گریستم که
اشکهایم بر گونه مبارکش فرو ریخت.
حضرت برخاست و نشست و فرمود:
«کیست که مرا از ذکر پروردگارم باز
می‌دارد؟» خود را معرفی کردم و گفتم:

ای پسر پیامبر خدا! این گریه و زاری و
بی‌تابی از چیست؟ در حالی که بر ماکه
مردمی نافرمان و گنه‌کاریم لازم است
که چنین کنیم. ای پسر رسول خدا! پدر
تو حسین بن علی و مادرت فاطمه
زهرا و جدت پیامبر خداست. امام
سجاد در پاسخ فرمود: هیهات،
هیهات، سخن گفتن از پدر و مادر و
جدم را فروگذار، خداوند بهشت را
برای کسی آفرید که از او فرمان برد و
نیکی کند، گرچه بنده‌ای حبشی باشد و
دوزخ را برای کسی آفرید که نافرمانی
کند، گرچه آفازاده قرشی باشد. آیا این